



۲۰۱۳/۱۲/۱۲



جليل غني

## گوردسته جمعی هرات

در بند کشیدنها، شکنجه ها و قتل های مردم بیگناه افغانستان پس از سقوط دادن جمهوری اول افغانستان برهبری محمد داود شهید سرآغاز بد بختی ها و ویرانی های است که با کودتای حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حمایت اتحاد شوروی سابقه درماه ثور سال ۱۳۵۷ هجری شمسی مطابق ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ میلادی براه افتاد و تا امروز به اشکال مختلف ادامه داشته است.

یاد آوری از مظالم کمونیستها و رژیم های دست نشانده اتحاد شوروی سابقه و شکنجه ها و قتل های که با حمایت و تجاوز آنکشور صورت گرفت میرهن است و همه روزه افشاگری های مزید را از این مظالم می بنیم و میخوانیم. قدرتمندان و زورگویان همواره به این تصور هستند که برای همیشه در قدرت هستند و میتوانند مانع افشاگری های خیانتها و ستمگری های شان برای نگهداشت شان براریکه قدرت گردند و این تصور واهی را دارند که حافظه ملتها ضعیف است و به مرور زمان بر اعمال شنیع آنها خاکستر فراموشی فرو خواهد نشست و سرفراز و نیک نام به زندگی شان ادامه خواهند داد. غافل ازاینکه نه تنها حافظه ملتها ضعیف نیست بلکه دیگران دوران و اعصار از یمن انشکاف تکنالوژی و دسترسی جهان به اطلاعات ازاد، گذشته است که بتوانند هرگونه صدا و توان افشارگری ها را در گلو خفه کنند و نگذارند که پرده از حقایق تاریخی و واقعیت های عینی اعمال نا شایسته شان بر داشته شود.

دولت نبود بر همه جاوید مبارک

ای بی خردان غره اقبال مباحثید

جالب اینجاست که کمتر دیده شده دیکتاتور ها و ستمگران و تشنه گان قدرت پندی از تاریخ گرفته باشند و این بی خردی تکرار شده میرود مخصوصاً درکشورهای عقب مانده آسیائی و افریقائی که همین امروز هم شاهد نظام های از این قبیل و دیکتاتورانی ازین قماش و مظالمی از این نوع هستیم.

کشتار، ستم و ظلم بر ملت قهرمان و بلا کشیده افغان با از بین رفتن نظام کمونیستی در اثر قیام قهرمانانه این ملت غیور پایان نگرفت بلکه به اشکال دیگری تداوم پیدا نمود: گاهی بنام حکومت های تنظیمی و جنگ های بین تنظیم ها برای احراز قدرت و یا تقسیم قدرت و زمانی هم بنام امارت اسلامی جهت حاکمیت شریعت اسلامی، به تعبیری که طالب از آن داشت، و حالا هم بنام جنگ در برابر قوای خارجی و احیای حکومت اسلامی توسط گروه های طالب و حقانی و حکمتیار. معلوم نیست که این تشنگان قدرت و خون چه زمانی دست از سراین ملت مظلوم برخواهند داشت و خواهند گذاشت که بعد از سه دهه خونریزی و زندگی پر از اضطراب و تشویش این ملت نفسی براحت بکشد و با صلح و آرامش زندگی کند.

در ماه های اخیر درپهلوی نشر اسمای پنجهزار بیگناهی که توسط نظام خلقی ها و پرچمی بقل رسیدند، محلات کشف شده ای قبر های دسته جمعی هم نشر و ثبت شده است که گواه دیگری بر خیانت و جنایت آنهاست. یکی از این قبر های دسته جمعی که تا کنون نامی از آن برده نشده قبر دسته جمعی است که در شرق شهر هرات بین قشله عسکری معروف به زلمی کوت و تفریحگاه شیدائی در سال ۱۹۹۳ بعد از سقوط حکومت کمونیستی در دورانی که اسمعیل خان والی هرات بود، کشف و نشانی شد و قرار بود که این قبر دست نخورده حفظ گردد. استاد راشد سلجوقی یکی از علما و دانشمندان هرات که در ۱۹ جولای سال ۱۹۹۴ در جریان اشتراک در شورای بزرگ هرات از این قبر دسته جمعی دیدن نمود، میگوید: "هیاتی که به نمایندگی از مهاجرین افغان در اروپا و امریکا به این شوری اشتراک کرده بود یکصد و دونفر بودند که همه آنها بشمول داکتر محمد یوسف صدراعظم سابقه، داکتر جاوید، داکتر رهین، داکتر بارکزی، احسان الله دافغانستان پسر اعلیحضرت امان الله خان، احسان الله مایار، هاشم

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

مجددی، حبیب الله طالع، داکتر مبین شورش، جنرال اکبر سلیمان، جنرال مودودی و یک تعداد دیگر از این قبردسته جمعی که تعداد آن احتمالاً به بیش از یک هزار شهید میرسید دیدن کردند". استاد راشد سلجوقی میگوید اجساد این شهیدان که با لباسهای شان دفن شده بودند، در اثر گشتاندن تراکتور بر روی قبر شکسته و همه درهم کوفته شده بود. این قبردسته جمعی با شیشه پوشانیده شده بود و گفته شد که بحیث یک موزیم غیرمنقول بروی سیاحین و محققین و مردم باز خواهد بود. ولی معلوم نیست که روی چه ملحوظ سیاسی و یا سازشها و داد و ستد ها که یکی از تعاملات معمول امروزی در دستگاه حاکمه است هیچ صدائی از آن بلند نشد و همانطور پوشیده و مکتوم مانده است.

اکثریت کسانی که درین قبر دسته جمعی دفن شده اند کسانی هستند که بعد از قیام تاریخی بیست و چهارم حوت سال ۱۳۵۷ در مقابل نظام کمونیستی دستگیر و بقتل رسانیده شده اند که شامل علما، منتقدین قومی، سرمایه داران ملی، استادان، متعلمین، دکانداران و مردمان عادی بودند که به جرم اشتراک درین قیام و یا حمایت از آن دستگیر و بقتل رسیده اند. به روایت های مختلف تعداد شهیدان این قیام بیست و چهار هزار نفر تخمین شده ولی ارقامی تا کنون از جانب کدام مرجع مستقل ارائه نگردیده است. به روایت ناظرین این یک قیام خود جوش بود که باعث تغییر سیاست اتحادشوروی سابقه در برابر افغانستان گردید و توجه یک تعداد از کسانی را که بعداً بحیث رهبران جهاد تبارز داده شدند، جلب نمود و در پی حمایت از چنین قیامهای در داخل افغانستان گردیدند در حالیکه قبل از آن هیچگونه ارتباطی بین قیام کنندگان و پیشاورنشینان وجود نداشت. و در جریان چنین قیامی بود که اعلامیه جهاد به امضای حضرت صبغت الله مجددی از پیشاور به هرات مواصلت کرد. و این اولین حرکت از پیشاور بود.

شاید هم با حضور سردمداران خلق و پرچم دردستگاه حاکمه و روا داری های که از جانب دستگاه حاکمه با آنها میشود، سعی گردد تا حدامکان جنایات آنها پوشیده بماند. دلیل عمده دیگری که دستگاه حاکمه تلاش دارد پرده از جنایات آن گروه و سایر جنایتکارانی که بعد از آنها استفاده از قدرت، دست به هر جنایتی زدند و هنوز هم برکسی های دولتی تکیه زده اند، بر ندارد، خاموشی در برابر پروژة عدالت انتقالی و افشای جنایاتی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پس از چندین سال تحقیق و هزاران مصاحبه، جنایات جنگی دوران حکومت های کمونیستی و تنظیمی و طالبی را در نهمصد صفحه مستند ساخته و بریاست جمهوری تسلیم داده است. ولی حکومت بنا بر مصلحت جوئی ها و مسامحه با جنایتکاران شریک قدرت، مثل سایر حقایق این حقایق را نیز کتمان نموده و نمی گذارد از جنایتکاران داد خواهی شود.

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ